



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای

دانش های زبانی-ادبی ادبیات فارسی

و تاریخ ادبیات

پایه هشتم

طراح: اشرف پیروزان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اوّل.....
۱	درس اول.....
۴	درس دوم.....
۶	درس سوم.....
۷	درس چهارم.....
۹	درس پنجم.....
۱۱	درس ششم.....
۱۴	درس هفتم.....
۱۶	درس هشتم.....
۱۸	درس نهم.....
۲۰	درس دهم.....
۲۲	درس یازدهم.....
۲۴	درس دوازدهم.....
۲۶	درس سیزدهم.....
۲۸	درس چهاردهم درس آزاد (به عهده دانش آموز).....
۲۸	درس پانزدهم درس آزاد (به عهده دانش آموز).....
۲۹	درس شانزدهم.....
۳۰	درس هفدهم.....
۳۲	فصل دوم.....
۳۲	خلاصه ای از نکات مهم درس.....
۳۵	انواع لحن ها.....
۳۵	نمونه سؤالات از تمام دروس.....
۳۸	پاسخ سؤال های نمونه سؤالات.....
۴۳	جواب سؤالات نمونه تمام دروس.....

فصل اول

درس اول

قیصر امین پور: وی از شاعران معاصر موفّق پس از انقلاب به شمار می آید. آثار او عبارتند از: در کوچه آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه های ناگهان اشاره کرد. در این قسمت از درس به ساختار و محتوای شعر پرداخته شده است که ابتدا توضیحی درباره ساختار و محتوا داده می شود تا دانش آموز با این دو مفهوم کاملاً آشنا شود.

ساختار شعر

یک شعر از قسمت هایی تشکیل شده است که به آن ساختار شعری گویند که عبارتند از: بیت: هر یک از سطرهای شعر را بیت می گویند. کمترین مقدار شعریک بیت است. مانند:

اگر در خلوت نور خدانیست تور ادردی بود کان رادوانیست
دو واژه «نیست، نیست» هر دو ردیف هستند.

مصراع: هر بیت شامل دو قسمت است که هر یک از بخش ها را یک مصراع گویند. مانند:

خدا در هر دل بیگانه پیدا است = یک مصراع
ولی بیگانه بادل آشناییست = یک مصراع

ردیف: به پایان هر مصراع یا در پایان هر بیت اگر واژه هایی بایک معنی، بعد از قافیه تکرار شوند به این واژه ها ردیف می گویند.

در بیت زیر به کلمات آخر هر مصراع دقت کنید که کاملاً شبیه به هم هستند

نیمه شب همدم من دیده گریان من است

ناله مرغ شب از حال پریشان من است

(من است، من است) ردیف هستند

قافیه: به کلمات آخر هر مصراع یا بیت که آخرین حرف اصلی آنها یکی باشد، در واقع کلمات قافیه بایک آهنگ و وزن باشند را قافیه گویند.

مانند بیت:

ای گیسوان رهای تواز آبشاران رهاتر

چشمانت از چشمه ساران صاف سحر با صفاتر

دو واژه (رهاتر، صفاتر) قافیه هستند.

نکته: اگر بیتی ردیف داشته باشد قافیه قبل از ردیف می آید.

مانند بیت:

مژده ای دل که مسیحانفسی می آید

که زانفاس خوشش بوی کسی می آید

ردیف: می آید، می آید

قافیه: (نفسی، کسی) که قبل از ردیف آمده اند

❖ محتوا

هر شعری پیامی دارد که این پیام همان محتوای شعر است. شعری که محتوا نداشته باشد شعری پوچ و بی معناست. وقتی خواننده به طرف شعری رود، می خواهد از مفاهیم درونی آن شعر بهره ببرد. هر چه محتوا در شعر جذابتر باشد، شعر تأثیر خود را از دست نمی دهد. در شعر «پیش از این ها» شاعر تفکر معنوی و عرفانی خود را در قالب تصویر شاعرانه بیان داشته است و پیامش که شناخت خداوند از دید کودک می باشد را بصورت شفاف و روشن به خواننده منتقل کرده است.

پس شعرها برای خود ساختار و محتوایی دارند.

برای بررسی ساختار (شکل بیرونی) هر اثر می توانید این پرسشها را به کار ببرید:

۱) متن اثر به «نثر» است یا به «نظم»؟

۲) شیوه بیان نوشته «زبانی» است یا «ادبی»؟

۳) واژه های متن «ساده و قابل فهم» هستند یا «دشوار»؟

نمونه سؤال

■ به نمونه زیر توجه کنید و پاسخ دهید.

که جمال تو چراغ چمن است	بلبلی شیفته می گفت به گل
رخ من شاهد هرا نچمن است	گفت: امروز که زیبا و خوشم
کیست آنکس که هواخواه من است	چونکه فردا شد و پیرمرد شده
چو گه شام بیایی، کفن است	به تن، این پیراهن دلکش من
که تو را بر گل دیگر وطن است	حرف امروز چه گویی، فردا است
همه جاسرو و گل و یاسمن است	همه جابوی خوش و روی نکوست
سخن است آنکه همی بر دهن است	عشق آنست که در دل گنجد
کار باید، سخن است این، سخن است	بهر معشوقه بمیرد عاشق
چون تو، بسیار درین نارون است	می شناسیم حقیقت زمجاز

(۱) متن به «نثر» است یا به «نظم»؟

(۲) شیوه نوشته «زبانی» است یا «ادبی»؟

(۳) واژه های متن «قابل فهم و ساده» هستند یا «دشوار»؟

(۴) درباره محتوا شعر دو سطر بنویسید؟

(۵) قافیه ها را در این شعر پیدا کنید؟

(۶) ردیف ها را مشخص کنید و بنویسید؟

درس دوم

قائنی شیرازی: میرزا حبیب... شیرازی متخلص به «قائنی» از شاعران دوره قاجاریه است. هنر او در قصیده سرایی است. وی کتاب «پریشان» را به شیوه «گلستان سعدی» نوشت. آرامگاه او در کنار جوار حضرت عبدالعظیم (ع) در شهرری است.

تشبیه

تشبیه چهار رکن دارد:

- (۱) مشبّه (رکن اوّل): چیزی که قصد تشبیه کردن آن را داریم.
 - (۲) مشبّه به (رکن دوّم): کلمه ای که کلمه دیگر به آن تشبیه می شود.
 - (۳) وجه شبه (رکن سوّم): نشان دهنده پیوند شباهت است. بعضی ازادات تشبیه عبارتند از: مانند، مثل، همانند، همچون، بسان، تشبیه و...
 - (۴) ادات تشبیه (رکن چهارم): صفت یا ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه به است. مانند: خون شهید چون شقایق سرخ است.
- (مشبه: خون شهید)، (ادات تشبیه: چون)، (مشبه به: شقایق)، (وجه شبه: سرخ است)
- نکته: گاهی اوقات ادات تشبیه و وجه شبه در بیت یا عبارت حذف می شوند.
- مانند: شهدا خورشیدند.
- (مشبه: شهدا)، (مشبه به: خورشید)
- نکته: در بیت های شعر ارکان تشبیه به طور مرتب، پشت سرهم نمی آیند، بلکه جابجایی ارکان وجود دارد مانند:

گفتابرو چو خاک تحمل کن ای فقیه یاهر چه خوانده ای همه در زیر خاک کن
(مشبه: فقیه)، (مشبه به: خاک)، (ادات تشبیه: چو)، (وجه شبه: تحمل کن)

نمونه سؤال

■ در نمونه های زیر ارکان تشبیه را پیدا کرده و بنویسید.

(۱) او همچون باران پراز طراوت بود.

۲) حرفهایم مثل یک تگه چمن روشن و واضح بود.

۳) دل مادرم همانند آسمان بیکران زلال و پاک است.

۴- شادمان گشت و دورخساره چون گل بیفروخت.

۵) آه چه آرام و پر غرور گذرد داشت زندگی من چو جویبار غریبی

۶) و من به آن زن کوچک برخوردم / که چشم هایش مانند لانه های خالی سیمرغان / فارغ از محبت بود.

۷) ای شاهد افلاکی درمستی و درپاکی من چشم تورامانم تواشک مرامانی



درس سوم

واج آرایی (نغمه حروف)

تکرار یک واج (صامت یا مصوت) است درواژه های یک مصراع، بیت یا عبارت. یا تکرار مکرر یک واج در بیت، مصراع یا عبارت.

مصوت‌ها دو دسته هستند و عبارتند از:

مصوت‌های بلند ← آ-او-ای

مصوت‌های کوتاه ←

که خود یک واج هستند و می توانند در واج آرایی نقش داشته باشند.

بقیه حروف الفبای فارسی صامت هستند مثل:

«ب، پ، ت، د، ذ، ر، ز، ژ، چ، ح، خ، س، ش، ص، ض، ط، ظ، و...»

توجه: یک واج حداقل سه بار باید تکرار شود و واج آرایی بسازد.

مانند:

به گوش هوش نیوش از من (صامت ش ۳ بار)، (مصوت و ۳ بار) تکرار شده اند.

براوراست خم کرد و چپ کرد راست خروش از خم چرخ چاچی بخاست

تکرار (صامت ر در مصراع اول)، (صامت خ، چ در مصراع دوم).

نمونه سؤال

■ واج آرایی (نغمه حروف) را در ابیات و عبارات زیر بیابید.

(۱) به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار که از جهان ره ورسم سفر بر اندازم

(۲) نماز شام غریبان چو گریه آغازم به های های غریبانه قصه پردازم

(۳) مار دیدی در گیا پیچان کنون در غار غم مار بین پیچیده در ساق گیا آسای من

(۴) در نومیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است

درس چهارم

فعل

تعریف فعل: «کلمه ای است که انجام گرفتن یا پذیرفتن کاریاداشتن حالتی رادرزمان گذشته، حال، آینده بیان می کند.»

فعل اصلی ترین بخش جمله و محور معنایی آن است که معمولاً در آخر جمله می آید و برخلاف کلمه های دیگر صرف می شود. در فعل، مفهوم شخص نیز وجود دارد. مفهوم شخص یعنی اینکه گوینده فعل رابه خود نسبت می دهد.

(۱) اگر گوینده فعل رابه خود نسبت دهد، آن را اول شخص یا متکلم می گویند

مانند فعل:

پوشیدم یعنی من پوشیدم و عمل پوشیدن رابه خود نسبت داده است.

(۲) اگر گوینده فعل رابه مخاطب یعنی به طرف صحبت خود نسبت دهد، دوم شخص یا شنونده یا مخاطب است.

مانند فعل:

نوشته بودی یعنی تو نوشته بودی و عمل نوشتن رابه فرد مخاطب خود نسبت می دهد.

(۳) اگر گوینده فعل رابه فرد دیگری نسبت دهد، آن سوم شخص یا شخص غایب است که حضور ندارد. مانند فعل:

گفته است یعنی او گفته است و عمل گفتن را شخص غایب که حضور ندارد نسبت داده شده است.

❖ اسم

تعریف اسم: «کلمه ای است که می توان آن را جمع بست و برای نامیدن کسی یا چیزی به کار می رود و می توان امری رابه آن نسبت داد. اسم یکی از اجزای تشکیل دهنده جمله است.»
مانند:

نفت مایعی سیاه رنگ است ← «نفت» اسم است.

اسم در دیگر بخش های جمله می آید و نقش های مختلفی را می پذیرد. یعنی اینکه نقش های «مفعول و متمم» نیز می توانند اسم باشند.

نکته: فعل در جایگاه فعلی خود قرار می گیرد و هیچ نقشی را نمی پذیرد. اما اسم در بخش های دیگر جمله نیز می تواند نقش بپذیرد.

مانند:

یلدا به تولد دوستش دعوت شد. «یلدا» اسم است.

گلدان را روی طاقچه گذاشتم. «گلدان را» در واقع **مفعول** است اما در اینجا نقش اسم را هم می گیرد.

از سفر اصفهان خاطرات زیادی دارم. «از سفر اصفهان» نقشش **متمم** است اما در اینجا نقش اسم را دارد.

نمونه سؤال

- (۱) فعل ها را در جملات زیر پیدا کنید
 - (۱) سپیده در آسمان نمایان گشت.
 - (۲) موسیقی باد و آواز بلبلان درختان بیدار به رقص آوردند.
 - (۳) دیشب صدای تیشه از بیستون نیامد.
 - (۴) مادران دلسوز فرزندانشان هستند.
- (۲) اسم را در جملات زیر مشخص کنید.
 - (۱) مردم رستم را پهلوان می دانستند.
 - (۲) باروی باز از مردم استقبال می کرد.
 - (۳) مادر را برای آرامش دلش بهانه کرده بود.
 - (۴) بچه ها مشغول خاک بازی بودند.
 - (۵) از زندگی فاصله گرفت.
 - (۶) به سرعت کودک را به بیمارستان رسانید.
 - (۷) خدا را در وجودت پیدا کن.
 - (۸) پروانه ها پیلۀ خود را پاره می کنند.

درس پنجم

ایرج میرزا: از نوادگان فتحعلی شاه قاجار بود. تحصیلاتش در مدرسه دارالفنون تبریز صورت گرفت. ابتدا شاعر دربار قاجار بود اما خیلی زود از شاعری دربار کنار گرفت. شعر ایرج مسائل مختلف اجتماعی را با زبانی ساده و شوخی های نیش داریان می کند.

ادبیات اندرزی یا تعلیمی

شاعران و نویسندگان همه ملت ها، سروده ها و نوشته هایی دارند که در آنها، راه بهتریستن و خوشبختی و سعادت را نشان می دهند به این سروده ها و نوشته ها ادبیات اندرزی یا تعلیمی گویند. این نوع ادبیات محتوایی اخلاقی، اجتماعی و... دارند. هدفش آموزش دادن و تعلیم دادن می باشد، در واقع کار ادبیات تعلیمی اندرز دادن است.

مانند:

خبرداری ای استخوانی قفس؟	که جان تو مرغی است نامش نفس؟
چو مرغ از قفس رفت و بگسست قید	دگره نگردد به سعی تو صید
سکندر که بر عالمی حکم داشت	در آن دم که بگذشت و عالم گذاشت
میسرن بودش کز او عالمی	ستانند و مهلت دهندش دمی (بوستان)

نکته اندرزی داستان: عمر انسان به مویی بند است که اگر نفس پایین برود و بالا نیاید دیگر جان به تن آدمی بر نمی گردد. اسکندر با آن همه مقام و منزلت که در این دنیا داشت، با یک لحظه نفس نکشیدن، عمرش به پایان رسید. او فرصت نداشت و مرگ هم به او یک لحظه نفس کشیدن مجدد را نداد.

نتیجه: انسان باید نهایت استفاده از زندگی را بکند و عمرش را بیهوده هدر ندهد.

نمونه سؤال

■ پیام ادبیات تعلیمی یا اندرزی زیرابنویسید.

دزدکی از مارگیری ماربرد	زابلهی آن را غنیمت می شمرد
وارهید آن مارگیر از زخم مار	مارکشت آن دزد اورا زارزار
مارگیرش دید پس بشناختش	گفت از جان مار من پرداختش
در دعامی خواستی جانم ازو	کش بیابم ماربستانم ازو
شکر حق را کان دعامر دودشد	من زیان پنداشتم آن سود بود
بس دعاها کان زیانست و هلاک	وز کرم می نشود یزدان پاک



درس ششم

محمد حبله رودی: از نویسندگان بزرگ قرن یازدهم هجری است و اثر معروف او «جامع التمثیل» نام دارد.

گروه اسمی

یکی از ارکان جمله گروه اسمی است و در یک گروه اسمی یک کلمه نقش مهمی دارد که به آن «هسته» گفته می شود. هسته گروه اسمی، همان اسمی است که کلمه های وابخش های دیگر به آن افزوده می شود. معمولاً هسته ای که اولین نقش نمای اضافه داشته باشد می توان آن را گسترش داد و یک گروه اسمی را ساخت. مانند:

«پاییز» یک واژه یا کلمه ای تنهاست اما اگر یک کلمه یا واژه دیگری به «پاییز» اضافه کنید، آن را گسترش داده اید.
مانند:

پاییز زیبا: (پاییز: هسته)، (نقش نمای اضافه که یک واژه را به پاییز اضافه می کند)، «زیبا» واژه ای است که به «پاییز» اضافه شده است).
یا

این پاییز زیبای دل انگیز: (هسته: پاییز) که مهمترین جزء گروه اسمی به شمار می رود. واژه «پاییز» دوباره گسترش داده شد. واژه «این» قبل از هسته که «پاییز» است، آمده و واژه های «زیبا، دل انگیز» پس از هسته آمده اند که باعث گسترش هسته شده و گروه اسمی را بوجود آورده اند.

نکته: برخی از اسمها که در جایگاه نهاد، مفعول و متمم بکار می روند، می توانند گسترش یابند و گروه اسمی را تشکیل بدهند به شرط اینکه فقط اسم باشند.

(۱) مثال برای «نهاد» که به «هسته» تبدیل می شود:

معلم به دانش آموزانش تعلیم می دهد = (معلم: نهاد) است، اینک یک واژه به معلم اضافه کنید تا گسترش یابد.

«معلمِ کوشا» = گروه اسمی

پس:

معلمِ کوشابه دانش آموزانش تعلیم می دهد: (معلم: هسته)، (کوشا: صفت) یعنی نقش «معلم» قبلاً «نهاد» بود اما اینک نقش «هسته» را می گیرد.

(۲) مثال برای «مفعول» که به «هسته» تبدیل می شود:

زهراتاق رابه دوستش نشان داد = (اتاق: مفعول) است. اگر یک یا چند واژه (کلمه) به آن اضافه کنید یک گروه اسمی راتشکیل می دهید.

«اتاقِ زیبای دلباز» = گروه اسمی

پس:

زهراتاقِ زیبای دلبازش رابه دوستش نشان داد. (اتاق: هسته)، (زیبای دلبازش) دو واژه ای هستند که به «اتاق» اضافه شده و گروه اسمی را بوجود آورده اند.

(۳) مثال برای «متمم» که به «هسته» تبدیل می شود:

دانش آموز به المپیاد راه یافت = (المپیاد: متمم) است اگر یک یا چند واژه (کلمه) به واژه «المپیاد» اضافه کنید یک گروه اسمی ساخته اید.

«المپیاد بزرگ جهانی» = گروه اسمی

پس:

دانش آموز به المپیاد بزرگ جهانی راه یافت. (المپیاد: هسته)، (بزرگ جهانی) به واژه «المپیاد» اضافه شده و گروه اسمی بدست آمده است.

نمونه سؤال

■ (۱) نهادها را در جملات زیر به گروه اسمی تبدیل کنید.

(۱) خدا بر تمام اعمال ما ناظر است.

(۲) دانش آموز تکلیف خود را به موقع انجام می دهد.

(۳) گل به کوهستان زینت می بخشد.

■ (۲) مفعول را در جملات زیر به گروه اسمی تبدیل کنید.

(۱) زهرا چمن را آب داد.

(۲) رستم رخش را به درختی بست.

(۳) مادر درس ادب را به فرزندش آموخت.

■ (۳) متمم ها را در جملات زیر به گروه اسمی تبدیل کنید.

(۱) پدر به آینده می اندیشند.

(۲) رزمندگان دشمن را از خاک ایران بیرون کردند.

(۳) معلم از دانش آموزان انتظار درس خواندن دارد.

■ (۴) با واژه های زیر گروه اسمی بسازید.

(۱) گل: (۴) خداوند:

(۲) دریا: (۵) دست:

(۳) دفتر: (۶) سهراب:

■ (۵) در جمله های زیر گروه های اسمی را بیابید.

(۱) درخت سرو نماد بلند قامتی است.

(۲) محمد از شب یلدا خاطرات خوبی دارد.

(۳) مرغ دریایی با چشم تیزبینش عمق دریا را می بیند.

درس هفتم

جامی: نورالدین عبدالرحمان جامی، شاعر قرن نهم هجری است. وی به دلیل محل تولد خود «جام» و به علت دوستداری شیخ الاسلام احمد جام «جامی» تلخیص می کرد. دیوان اشعار، هفت اورنگ (شامل هفت مثنوی به تقلید از خمسه نظامی)، نفحات الانس و بهارستان از آثار وی می باشند.

مثنوی

یک قالب شعری است. مثنوی یا دوتایی که هر بیت آن قافیه ای مستقل دارد و هیچ کدام از قافیه های هر بیت به دیگری ارتباطی ندارد. بیت هاد مثنوی محدود نیستند و برای داستان های طولانی استفاده می شوند. مهمترین مثنوی های فارسی عبارتند از: شاهنامه فردوسی، بوستان سعدی، مثنوی مولوی و لیلی و مجنون نظامی است.

به نمونه ای از مثنوی مولوی که به صورت داستان (شعر) بیان شده است توجه کنید. داستان مربوط به حضرت موسی (ع) و چوپان است. چوپانی با زبان ساده و بی آرایش خود با خدا صحبت می کرد. موسی (ع) به خاطر اینگونه صحبت کردن، چوپان را سرزنش نمود. از طرف خداوند بر موسی (ع) وحی آمد که تو چرا باینگونه صحبت کرده ای و اورا از من دور ساختی. موسی (ع) به دنبال چوپان رفت و او را پیدا کرد و از او عذرخواهی کرد و پیام وحی را به وی رسانید.

دیدم موسی یک شبانی را به راه	کوه می گفت: ای خدا وای اله
تو کجایی تاشوم من چاکرت؟	چارقت دوزم، کنم شانه سرت
دستکت بوسم، بمالم پایکت	وقت خواب آید، برویم جایکت
ای خدای من، فدایت جان من	جمله فرزندان و خان و مان من
ای فدای تو همه بزهای من	ای به یادت هی هی و هیهای من
گرتور ابیماری آید به پیش	من تو را غمخوار باشم همچو خویش
گفت: موسی، حال خیره سر شدی!	خودم مسلمان ناشده کافر شدی!
این چه ژاژست و چه کفرست و فشار	پنبه ای اندر دهان خود فشار!

گفت: موسی دهانم دوختی	از پشیمانی توجانم سوختی
جامه را بدید و آهی کردتفت	سرنهادان در بیابان و برفت
و حی آمد سوی موسی از خدا:	بنده مارا ز ما کردی جدا
تو برای وصل کردن آمدی	نی برای فصل کردن آمدی
ما برون را ننگریم و قال را	ما درون را بنگریم و حال را
ملت عشق از همه دین ها جداست	عاشقان را ملت و مذهب خداست...
چونکه موسی این عتاب از حق شنید	در بیابان، در پی چوپان دوید
عاقبت دریافت و اورا بدید	گفت: مژده ده که دستوری رسید
هیچ آداب و تربیتی مجوی	هر چه می خواهد دل تنگت بگویی...
هر بیت دارای قافیه ای جداگانه است.	

نمونه سؤال

■ یک نمونه ادبیات تعلیمی از شاهنامه یا مثنوی بیابید و بنویسید.

درس هشتم

محمود حکیمی: عمرش را وقف پژوهش و مطالعه در حوزه معارف اهل بیت (ع) کرده است. از آثار او: زندگانی حضرت زینب (س)، سیرت و شخصیت حضرت محمد (ص)، زندگانی حضرت امام حسین (ع)، داستان های آموزنده برای کودکان، آموزش کودکان نابینا و حس ششم می باشند. در حوزه داستان: وجدان، بسوی ساحل و پیام آور محبت نیز از آثار او هستند.

وابسته های اسمی ۱ (صفت بیانی)

در درس ششم با گروه های اسمی آشنا شدید. حالا می خواهیم درباره وابسته های اسم توضیحاتی داده شود که مربوط به گروه های اسمی هستند.

ابتدا بایک نمونه شروع می کنیم:

«ساحل زیبای خلیج فارس» یک گروه اسمی است.

(هسته: ساحل)، (زیبای خلیج فارس کلمه هایی هستند که باعث گسترش هسته شده و گروه اسمی را بوجود آورده اند)

صفت بیانی

واژه یا گروهی از واژه هاست که درباره اسم توضیحی می دهد.
مانند:

کتاب آموزنده = واژه «کتاب» اسم و «آموزنده» صفت است، چون «آموزنده» بعد از اسم آمده است.
مانند:

قلم چوبی = واژه «قلم» اسم و «چوبی» صفت است و بعد از اسم آمده است.

به صفت هایی که پس از اسم می آیند صفت بیانی می گویند.

شهر بزرگ = اولاً یک گروه اسمی است، دوماً (شهر: هسته) است، سوماً (بزرگ صفت بیانی) می باشد.
به صفت هایی که پس از اسم بیایند و از طریق نقش نمای اضافه () به یکدیگر وابسته شوند «وابسته پسین» گفته می شود.

مانند:

باغ آرامش = (باغ: هسته)، ((نقش نمای اضافه)، (آرامش صفت بیانی است، چون بعد از اسم آمده

و وابسته به اسم است، وابستهٔ پسین می گویند)

دریای بی کران = (دریا: هسته)، ((نقش نمای اضافه)، (بیکران : وابستهٔ پسین صفت بیانی)

نمونه سؤال

■ (۱) در جمله های زیر صفت های بیانی را بیابید.

(۱) سعید باهوش، رتبهٔ اول را در استان از آن خود کرد.

(۲) مبارزان میهن، درس مقاومت را به جوانان آموختند.

(۳) تلویزیون امشب فیلم جالبی را نشان می دهد.

(۴) محبت در چشم مهربان مادر موج می زند.

(۵) معلم مداد زیبایی به شاگردش هدیه داد.

درس نهم

سید جمال الدین اسدآبادی: مردی دارای افکار و عقاید سیاسی، فلسفی، اجتماعی و طرفدار استقرار آزادی در کشورهای شرقی و ایجاد وحدت بین مسلمانان و تشکیل اتحادیه دولت های اسلامی بود. در پاریس روزنام «عروۃ الوثقی» را منتشر کرد و در سال (۱۳۱۴.ق) در استانبول مسموم شد.

کمال الدین بهزاد: نقاش و مینیاتور ساز مشهور اواخر عهد تیموری و اوایل دوره صفوی است. لقبش کمال الدین بود. شاه طهماسب اول نزد بهزاد نقاشی می آموخته است.

جناس

(۱) هرگاه دو کلمه با شکل یکسان یا شبیه به هم باشند اما در معنی متفاوت باشند جناس گویند. مانند:

خرامان بشد سوی آب روان چنان چون شده باز جوید روان
«روان» در مصراع اول یعنی «جاری»، «روان» در مصراع دوم یعنی «روح و جان»، پس واژه های «روان، روان» هر دو شبیه هم هستند اما در معنا با یکدیگر متفاوتند پس جناس می باشند.
(۲) هرگاه دو کلمه در چند حرف با هم مشترک باشند آنهائیز جناس هستند. مانند:

مکن تاتوانی دل خلق ریش و گرمی گنی، می گنی بیخ خویش
دو واژه «ریش و خویش» در حروف «ی، ش» اشتراک دارند و می توانند جناس باشند.
پس: حروف مشترکی که از یک جنس باشند و شعرونه را زیبا تر و خوش آهنگ ترمی کند جناس می گویند.

نمونه سؤال

■ در نمونه های زیر جناس ها را بیابید.

- (۱) گریبایم یوسف خود را ز چاه بر پریم با او من از ماهی به ماه
- (۲) چنین گفت رستم به رهام شیر که ترسم که رخشم شدا ز کار سیر
- (۳) گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل / گل از خارم بر آوردی و خار از پای و پای از گل

۴) چودیدآن درخشان درخش مرا

به گوش آمدش بانگ رخس مرا

۵) مابرون راننگریم وقال را

مادرون را بنگریم و حال را



درس دهم

ادیب الممالک فراهانی: میرزا محمد صادق امیری معروف به ادیب الممالک، شاعر و روزنامه نگار عصر مشروطه بود. او پس از مهارت و شهرت در شاعری، مظفرالدین شاه به اولقب ادیب الممالک داد.

وابسته های اسمی ۲

صفت های پیشین صفت هایی هستند که پیش از هسته می آیند و به آن ها وابسته پیشین گفته می شود.
صفت اشاره و صفت شمارشی از صفت های پیشین هستند.

❖ صفت اشاره

صفت اشاره در اصل دو لفظ «این، آن» هستند که هرگاه همراه اسم بیایند صفت می شوند، صفت های اشاره عبارتند از: این، آن، همین، همان
مانند:

این گل را از آن باغ چیدم: (گل: هسته)، (این: صفت اشاره)، (باغ: هسته)، (آن: صفت اشاره)
همین قلم را از همان فروشگاه خریدم: (قلم: هسته)، (همین: صفت اشاره)، (فروشگاه: هسته)،
(همان: صفت اشاره)

واژه های «این، آن، همین، همان» در جملات بالا چون قبل از هسته آمده اند وابسته های پیشین، صفت اشاره می باشند.

❖ صفت شمارشی

صفت شمارشی، شماره و تعداد هسته را بیان می کند. از عدد یک تا بی نهایت را شامل می شود.
مانند:

فردوسی سی سال برای شاهنامه زحمت کشید: (سال: هسته)، (سی: چون قبل از هسته آمده، وابسته پیشین صفت شمارشی است)

یا

نمایشگاه چهاردهمین روز خود را پشت سر گذاشت: (روز:هسته)، (چهاردهمین: وابسته پیشین،
صفت شمارشی)

نمونه سؤال

- در نمونه های زیرهسته و نوع وابسته گروه اسمی را مشخص کنید.
(۱) این دوویلاى بزرگ به ساحل زیبایى خاصى داده است.
(۲) اولین غزل های عاشقانه راسعدى به اوج خودمى رساند.
(۳) دوستم همین دیروز از مسافرت برگشت.
(۴) این چهارمین مسابقه از شعرخوانى شاهنامه است.
(۵) قوم مغول در آن شب نحس مردم ایران را به خاک و خون کشید.

مرکزی

درس یازدهم

مولوی: جلال الدین محمد بلخی، معروف به مولوی از شاعران و عارفان بزرگ ایران در قرن هفتم است. آثار او عبارتند از: مثنوی معنوی، دیوان شمس، فیه مافیه، مکتوبات و مجالس سبعه است.

وابسته های اسمی ۳

صفت پرسشی و صفت تعجبی دو صفت دیگری هستند که جزء وابسته های پیشین می باشند.

❖ صفت پرسشی

صفتی است که با آن از نوع یا چگونگی یا مقدار هسته پرسش و سؤال می کند. برخی از پرسش ها عبارتند از: کدام، چند، چه، چگونه و...
مانند:

- (۱) برادرت استاد چه دانشگاهی است؟ (دانشگاه: هسته)، (چه: وابسته پیشین صفت پرسشی)
 - (۲) شهردزفول در کدام استان قرار دارد؟ (استان: هسته)، (کدام: وابسته پیشین صفت پرسشی)
 - (۳) شما چند بار سوار هواپیما شده اید؟ (بار: هسته)، (چند: وابسته پیشین صفت پرسشی)
- در جمله اول با کلمه (چه) از نوع دانشگاه سؤال می کنید.
در جمله دوم با کلمه (کدام) از نوع شهر در استان سؤال می شود.
در جمله سوم با کلمه (چند) از مقدار و شماره سوار شدن به هواپیما پرسش شده است.

❖ صفت تعجبی

صفتی است که همراه اسم می آید و تعجب گوینده را از چگونگی یا مقدار هسته می رساند.
صفت تعجبی با آهنگ خاصی تعجب گوینده را می رساند. برخی از کلمه های تعجبی عبارتند از: چه، عجب
مانند:

امروز عجب آسمان پاک و آبی بود! = (آسمان: هسته)، (عجب: وابسته پیشین صفت تعجبی)
چه ترافیکی! = (ترافیک: هسته)، (چه: وابسته پیشین صفت تعجبی)

درهریک ازجمله های بالا ازصفت تعجّبی استفاده شده است.

نمونه سؤال

■ درجمله های زیرهسته ونوع وابسته رامشخص کنیدوبنویسید.

(۱) نیمادر کدام شهرمتولّد شد؟

(۲) چه فروشگاه بزرگی افتتاح شده است!

(۳) عجب گل زیبایی درباغ روییده است!

(۴) مریم برای چه به کتابخانه نیامد؟

(۵) در کدامین شعرم تورامدح کنم؟



درس دوازدهم

کتاب درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی: نویسنده کتاب، فریدون اکبری شلدره که در آن به سیرتاریخی ادبیات داستانی از روزگار مشروطه تا ۱۳۷۷ پرداخته شده است. محورا صلی کتاب، داستان نویسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است.

کنایه

جملات و عبارات بسیاری در زبان فارسی وجود دارد که هر فارسی زبانی به راحتی درمی یابد که منظور نویسنده یا گوینده از بیان آنها، چیزی غیر از معنای ظاهری و لفظی آن جملات و عبارات می باشد.

کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است. در اصطلاح جمله ای باد و معنی دور و نزدیک در شعر یا نثر به کار می رود. به طوری که معنی دور مورد نظر شاعر یا نویسنده باشد. در واقع کنایه باعث می شود که ذهن خواننده را به تلاش وادارد تا به معنی آن دست یابد. گونه ای است که حرف را بصورت غیر مستقیم به خواننده القامی کند. مانند:

بیامد چنان تالاب هیرمند همه دل پراز باد و لب پرزیند

در این بیت «دل پراز باد داشتن» کنایه از حسرت و اندوه است.

یا مانند:

فلانی ریش سفید محله است: «ریش سفید بودن» کنایه از باتجربه بودن است.

یعنی: کسی که عمر طولانی پشت سر گذاشته است و سرد و گرم روزگار چشیده و بر اثر طولانی بودن عمر، موها و ریش هایش سفید شده، همچنین روزگار تجربه های زیادی را به او آموخته است، این کنایه را به کار می برند.

نمونه سؤال

■ کنایه ها را در نمونه های زیر بیابید.

(۱) هنوز دهانش بوی شیر می دهد.

۲) برآمدی ز سودای من سرخ روی

۳) دلا معاش چنان کن که گربلغز دپای

۴) از مکافات عمل غافل مشو

۵) چشم به راه توست.

کزین جنس بیهوده دیگر مگوی

فرشته ات به دودست دغانگه دارد

گندم از گندم بروید جوزجو



درس سیزدهم

فدایی مازندرانی: از شاعران و مرثیه سرایان بزرگ عاشورایی عصر قاجار است. او در منطقه دودانگه شهرسازی زندگی می کرد. او واقعه کربلا را برپایه اسناد معتبر تاریخی به نظم درآورد. بخش نخست دیوان شعر او در قالب ترکیب بند سروده شده است. شعر «یا حسین» از طولانی ترین قصاید عاشورایی به حساب می آید. کلیات سروده های وی به عنوان «مقتل منظوم فدایی» به چاپ رسیده است.

ردیف

ردیف یکی از اجزای شعر است. به پایان هر مصراع یا در پایان هر بیت اگر واژه هایی بایک معنی، بعد از قافیه تکرار شوند به این واژه ها ردیف گویند.
نکته: ردیف می تواند یک یا چند واژه یا یک جمله باشد.

ردیف به صورت واژه:

مانند:

ای خنک جانی که در هر آینه دید روی یار خود هر آینه
در پایان هر دو مصراع توجه کنید، دو واژه «آینه» مثل هم هستند پس (آینه، آینه) ردیف می باشند.
یا

هم رنگ رویش در چمن گل با سمن گردیدمی دایم به بویش چون صبا گر چمن گردیدمی
«گردیدمی، گردیدمی» ردیف هستند.

ردیف بصورت جمله:

بیا که خانه دل بی رخ تونور ندارد در آ که خانه دل بی رخ تونور ندارد
«خانه دل بی رخ تونور ندارد» یک جمله است که ردیف می باشد.

نمونه سؤال

■ در ابیات زیر ردیف را پیدا کنید.

۱) کم کم از سوی خدانیرنگ ها باطل شدند آیه های روشنی از آسمان نازل شدند

- (۲) به نام خداوند جان آفرین
(۳) آنان که خاک را کیمیا کنند
(۴) مزاق تو مراد یوانه کرده
(۵) سینه هامان باردیگرتنگ شد
- حکیم سخن در زبان آفرین
آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند
اسیر سردر میخانه کرده
از دوباره کربلا هم جنگ شد



درس چهاردهم درس آزاد (به عهده دانش آموز)

درس پانزدهم درس آزاد (به عهده دانش آموز)

مهرکای

درس شانزدهم

نزار قبانی: از بزرگترین شاعران و نویسندگان عرب که در دمشق سوریه متولد شد. اوبه زبان های فرانسوی، انگلیسی، اسپانیایی مسلط بود.

وابسته اسمی ۴ (صفت مبهم)

یکی دیگر از وابسته های پیشین صفت مبهم است که قبل از هسته می آید.

صفت مبهم: صفتی است که همراه اسم می آید و نوع و چگونگی و مقدار آن را بطور نامعین و نامشخص می رساند.

برخی از صفت های مبهم عبارتند از: هر، فلان، بعضی، خیلی، اندکی، چند، چندین، برخی، بسیاری و...
مانند:

احسان فلان کتاب را دوست دارد = (کتاب: هسته)، (فلان: قبل از هسته آمده و مشخص نمی کند که احسان چه نوع کتابی را دوست دارد. پس وابسته پیشین صفت مبهم است)

یا
هر گلی را نباید چید = (گل: هسته)، (هر: وابسته پیشین صفت مبهم) در این جا چون نوع گل را مشخص نمی کند پس صفت مبهم است.

نمونه سؤال

■ در نمونه های زیر صفات مبهم را پیدا کنید و بنویسید.

(۱) زهرا به چندین فروشگاه سرزد.

(۲) باغبان بعضی درختان را هرس کرد.

(۳) برخی راننده ها قانون ترافیک را رعایت نمی کنند.

(۴) استاد هیچ دانشجویی را از نصیحت های خود بی بهره نمی گذارد.

(۵) مادرم هر حرفی را قبول نمی کند.

درس هفدهم

کتاب در جستجوی خوش بختی: نویسنده این کتاب لُرد آویبوری به ترجمه ابوالقاسم پاینده است. این کتاب در هفده فصل نگاشته شده است. موضوعاتش شامل: خوشبختی، امید، تربیت و... است.

ترجمه

پاسخ ساده برگرداندن مطلبی از یک زبان به زبان دیگر است. یا به عبارت دیگر ترجمه، انتقال پیامی از یک زبان به زبان دیگر با حفظ روح متن اصلی.

ترجمه زبان عربی:

عربی یکی از زبان های غنی و پر جاذبه است. قرآن، مجلات و کتابهای فراوانی در دنیا وجود دارد که به زبان عربی نوشته شده اند. کسی که به این زبان کاملاً آگاهی و تسلط داشته باشد می تواند کتابها، مجلات و قرآن را به زبان فارسی ترجمه کند. در واقع انتقال پیامی از زبانی دیگر است که روح اصلی متن حفظ شده باشد.

مانند:

«جَنَاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» = و در بهشت رودهای روان جاری هستند.

همانگونه که می بینید در ترجمه عربی به فارسی فعل در آخر جمله ترجمه شده آمده است.

ترجمه زبان انگلیسی:

زبان انگلیسی برخلاف زبان فارسی از نظر تعداد لغات بسیار گسترده تر است. مثلاً برای یک کلمه مثل «راه رفتن» چندین مفهوم دارد، به همین دلیل نباید انتظار داشته باشید به هنگام ترجمه، فقط با استفاده از یک کلمه ای که در زبان فارسی وجود ندارد عین آن را ترجمه کنید. برای ترجمه انگلیسی به فارسی نیاز به آگاهی و اطلاعات زیادی هست. مطالعه زیادی می تواند قدرت تشخیص یک مترجم را در ترجمه بالا ببرد. ترجمه ای که برای یک واژه به کار برده می شود باید متناسب با جمله باشد.

مانند:

I Can spek English

من می توانم انگلیسی صحبت کنم.

در ترجمه انگلیسی فعل جمله ترجمه شده در آخر قرار گرفته است.

نکته: جای اجزای جمله در زمان مختلف یکسان نیست . مترجمان هنگام ترجمه به این نکته مهم توجه می کنند پس هر زبانی که بخواهد ترجمه شود قانون مربوط به خود را دارد.

نمونه سؤال

■ برای ترجمه دو متن عربی و انگلیسی بیابید و بنویسید.



فصل دوم

خلاصه ای از نکات مهم درس

فعل :

اصلی ترین بخش جمله و محور معنایی است و معمولاً آخر جمله می آید. فعل کلمه ای است که انجام گرفتن یا پذیرفتن کاریاداشتن حالتی را در زمان گذشته، حال، آینده بیان می کند.

ارکان تشبیه:

مشبه: چیزی که قصد تشبیه کردن آن را دارید.

مشبه به: کلمه ای که کلمه دیگر به آن تشبیه می شود.

ادات تشبیه: نشان دهنده پیوند شباهت است برخی از ادات تشبیه عبارتند از: مثل، مانند، همچون، همانند، مثل اینکه و...

وجه شبه: ویژگی اشتراک بین مشبه و مشبه به است.

واج آوایی:

به تکرار یک واج درواژه های یک عبارت یا بیت را واج آرای می گویند.

ادبیات تعلیمی یا اندرزی :

ادبیاتی که محتوای اخلاقی، اجتماعی، عرفانی و... دارد و هدفش آموزش دادن یک پند یا نصیحت آموزنده است. این نوع ادبیات به ترزیستن، خوشبختی و سعادت را نشان می دهد.

گروه اسمی :

یکی از ارکان جمله است و یک کلمه را می توان گسترش داد. قسمت اصلی گروه اسمی «هسته» است. اولین اسمی که نقش نمای اضافه بگیرد «هسته» است.

مثنوی :

یک قالب شعری است که این قالب برای داستانهای طولانی که به نظم نوشته می شوند به کار می رود. مهمترین مثنوی ها فارسی: شاهنامه فردوسی، بوستان سعدی، مثنوی مولوی و لیلی و مجنون نظامی است.

وابسته های اسمی ۱:

صفت بیانی: صفتی است که پس از هسته می آید که آن را وابستهٔ پسین می گویند. صفت بیانی صفتی است که دربارهٔ اسم توضیحی می دهد.

جناس :

(۱) هرگاه دو کلمه با شکل یکسان یا شبیه به هم باشند اما در معنی متفاوت باشند جناس گفته می شود.

(۲) هرگاه دو کلمه در چند حرف با هم مشترک باشند و تأثیر کلامی و آهنگ زیبایی در عبارت ایجاد کنند جناس گفته می شود.

وابسته های اسمی ۲:

صفت اشاره: صفت های «این، آن، همین، همان» چنانچه قبل از اسم بیایند وابسته پیشین گفته می شوند.

صفت شمارشی: از یک تایی نهایت که قبل از هسته بیایند.

وابسته های اسمی ۳:

صفت پرسشی: صفاتی چون «چند، چه، کدام، کدامین و...» قبل از هسته بیایند و باعث پرسش شوند را صفت پرسشی گویند.

صفت تعجبی: تعجب گوینده را نسبت به چگونگی یا مقدار هسته می رساند.

دو واژه «چه، عجب» قبل از هسته قرار بگیرند صفت تعجبی اند.

کنایه:

پوشیده سخن گفتن است. جمله ای که با دو معنی دور و نزدیک در شعر یا نثر به کار می رود که بیشتر منظور دور مورد نظر شاعر یا نویسنده است.

ردیف:

یکی از اجزای شعر است. در پایان هر مصراع یا بیت اگر واژه یا واژه هایی بایک معنی، بعد از قافیه تکرار شوند، ردیف می گویند.

وابسته های اسمی ۴:

صفت مبهم: صفتی است که همراه اسم می آید و قبل از اسم قرار می گیرد و چگونگی مقدار آن نامعین است.

برخی از صفات مبهم عبارتند از: هر، بعضی، هیچ، برخی، اندکی، بسیاری، چند، چندین، فلان، خیلی و...

ترجمه :

برگردان یک زبان به زبان دیگر و انتقال دهنده پیامی از یک زبان به زبان دیگر با حفظ روح متن اصلی. به کسی که ترجمه می کند مترجم گویند.



انواع لحن ها

متن حماسی: باحالت پهلوانی و پیکارگرانه خوانده می شود.

متن ستایش و نیایش: باحالتی فروتنی و خاکساری خوانده می شود.

متن اندرزی یا تعلیمی: با آهنگ و لحن نصیحت و حالت پندگو یانه خوانده می شود. طوری که شنونده حس کند خود، مخاطب آن اندرز است.

متن داستانی: معمولاً با آهنگ نرم و کشش آوایی خوانده می شود. لحن خواننده باید به گونه ای باشد که میل و رغبت شنونده را به شنیدن ادامه آن برانگیزاند و شوقی با انتظار در ذهن و روح پدید آورد.

متن میهنی: به هنگام خواندن این متن ها باید با حفظ استواری کلام و تأکید بر واژگان کلیدی متن همچون «وطن و...» با لحن مناسب و آهنگ حماسی را به کار گرفت.

سوگ سروده ها: شاعر با لحنی سوگوارانه، حسرت و افسوس و سوز و اندوه خود را نسبت به واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش بازگویی کند. در اینگونه سروده ها با قرار دادن خود در آن حال و موقعیت، متن را با لحن مناسب خواند.

ترکیب لحن ها: گاهی یک شعر سروده می شود که چندین لحن در آن دخیل هستند. مانند شعر «پرندۀ آزاد» که درباره «محمدالدوره» نوجوان فلسطینی است. در این گونه شعرها لحن ها ی حماسی، عاطفی و توصیفی درهم آمیخته شده اند.

نمونه سؤالات از تمام دروس

(۱) شعر زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید.

صورت و سینه بنا خن میسخت	به سر خاک پدر، دختر کی
کاش روحم به پدر می پیوست	که نه پیوندونه مادر دارم
مردوا زرنج تهی دستی رست	گریه ای بهر پدر نیست که او
دام بر هر طرف انداخت گسست	زان کنم گریه که اندریم بخت
هیچ ماهیش نیافتاد به شست	شصت سال آفت این دریادید

پدرم مردزبی دارویی	وندترین کوی، سه داروگر هست...
سوی همسایه پی نان رفتم	تامر اید، در خانه بیست
همه دیدند که افتاده ز پای	لیک روزی نگرفتندش دست
آب دادم به پدر چون نان خواست	دیشب از دیده من آتش جُست...
دل من بود که ایام شکست	این همه بخل چرا کرد، مگر
من چه می خواستم از گیتی	سیم وزربود، خدایی گربود...

آه از این آدمی دیو پرست

(۱) متن اثر به نظم است یا به نثر؟

(۲) شیوه بیان نوشته زبانی است یا ادبی؟

(۳) واژه های متن ساده و قابل فهم هستند یا دشوار؟

(۲) در نمونه های زیر هسته و نوع وابسته را در گروه های اسمی پیدا کنید و بنویسید؟

(۱) کتابخانه این مدرسه چه کتاب های جالبی دارد!

(۲) این خط زیبارا کدام شاگرد خوش ذوق نوشته است؟

(۳) آن رودروان از کجا سرچشمه می گیرد؟

(۴) دانش آموزان سوّمین روز اردو را پشت سر گذاشتند.

(۵) همین سه دانش آموز چند بار در المپیاد شرکت کردند.

(۳) ارکان تشبیه را در عبارات زیر بیابید.

(۱) لالایی مادر چون نسیم شمالی گوش را نوازش می کند.

(۲) اشک مثل مروارید درخشان است.

(۳) عشق همچون دریایی گسترده است.

(۴) فروبارید بارانی ز گردون چنان چون برگ گل بار دبه گلشن

(۴) جناس را در بیت های زیر مشخص کنید.

(۱) تهمت چنان داد پاسخ که نام چه پرسى کزین پس نبینی تو کام

(۲) باید به مژگان رُفت گرد از طور سنین باید به سینه رُفت زین جاتا فلسطین

۳) از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم بانگ از جرس برخاست وای من خموشم

۴) بترس از جهاندار یزدان پاک خرد را مکن بادل اندر مغاک

۵) کنایه را در نمونه های زیر بیابید و بنویسید.

۱) از آن مرد دانا دهان دوخته که بیند که شمع از زبان سوخته

۲) ای لولیان، ای لولیان یک لولی ای دیوانه شد / طشتش فتاد از بام ما، نک سوی مجنون خانه شد

۳) فلانی در خانه اش باز است.

۴) دست روی دست گذاشته است.

۶) واج آرایی را در اشعار و عبارات زیر بنویسید.

۱) رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود

۲) مرادش ندانم ندیدم هنر از این گونه نشنیده ام تاجور

۳) مرا مادر نام مرگ تو کرد.

۴) نماز خونین حماسه چهارده ساله مرا وسعت وسیع کدام سجاده گسترده شد

۵) ریاست به دست کسانی خطاست که از دستشان دستها بر خداست

۷) واژه های زیر را گسترش دهید و گروه اسمی بسازید.

۱) کتاب: ۳) دست: ۵) روح:

۲) آسمان: ۴) استاد: ۶) میز:

۸) ردیف را در ابیات زیر پیدا کنید.

۱) فضل خدای را که تواند شمار کرد یا کیست آن که شریکی از هزار کرد؟

۲) درخت زرد شد و آسمان به قیر نشست هوادژم شد و دی ماه جای تیر نشست

۳) آنک آواز نبی از در بطحاشنوید ذکر حق را، ز در افتادن بت شنوید

۴) پیش از تو آب معنی دریانداشت شب مانده بود و جرئت فر داشتند نداشت

پاسخ سؤال های نمونه سؤالات

➤ درس اول

(۱) نظم

(۲) ادبی

(۳) ساده و قابل فهم

(۴) بلبللی که درکنار گلی روی چمن بود. از زیبایی گل تعریف می کرد. اما گل در جواب بلبل گفت: امروز زیبا هستم اما فردا پژمرده خواهم شد و کسی هواخواه من نیست. در واقع هر کس روزی زیباست و روزی هم زیبایی از او گرفته می شود، آنچه که مهم است عشق است که باید ماندگار باشد و در دل جا بگیرد نه این که فقط بر زبان جاری گردد. ما دیگر حقیقت را از غیر حقیقت می شناسیم.

(۵) قافیه: «چمن، انجمن، من، کفن، وطن، یاسمن، دهن، سخن، نارون»

(۴) ردیف: است

➤ درس دوم

(۱) (او: مشبه)، (همچون: ادات تشبیه)، (باران: مشبه به)، (پراز طراوت بود: وجه شبه)

(۲) (حرفهایم: مشبه)، (مثل: ادات تشبیه)، (تکه چمن: مشبه به)، (روشن و واضح بود: وجه شبه)

(۳) (دل مادرم: مشبه)، (همانند: ادات تشبیه)، (آسمان بیکران: مشبه به)، (زال و پاک بود: وجه شبه)

(۴) (رخسار: مشبه)، (چو: ادات تشبیه)، (گل: مشبه به)، (بی فروخت: وجه شبه)

(۵) (زندگی من: مشبه)، (چو: ادات تشبیه)، (جویبار غریبی: مشبه به)، (آرام و پر غرور: وجه شبه)

(۶) (چشم: مشبه)، (مانند: ادات تشبیه)، (لانه های خالی سیمرغان: مشبه به)، (فارغ از محبت بود: وجه شبه)

(۷) (من: مشبه)، (مانم: ادات تشبیه)، (چشم تو: مشبه به)، (مستی و درپاکی: وجه شبه)

➤ درس سوم

(۱) (صامت:ر)، (مصوت:آ،ی)

(۲) (مصوت:آ)

(۳) (مصوت:آ)، (صامت:ر)

(۴) (مصوت:ای)، (صامت:س)

➤ درس چهارم

۱- فعل ها:

(۱) گشت:فعل

۲ آورند:فعل

(۳) نیامد:فعل

(۴) هستند:فعل

۲) اسم ها:

(۱) مردم:اسم

(۲) روی باز:اسم (باروی باز:درواقع متمم است، اما نقش اسم را گرفته است)

(۳) مادر:اسم (مادر مفعول است، اما در اینجا نقش اسم را دارد)

(۴) بچه ها:اسم

(۵) زندگی:اسم (زندگی متمم است اما در اینجا نقش اسم را می پذیرد)

(۶) سرعت:اسم (سرعت متمم است اما در اینجا نقش اسم را می پذیرد)

(۷) خدا:اسم (خدا مفعول است اما در اینجا اسم را می پذیرد)

(۸) پروانه ها:اسم

➤ درس پنجم

دزدی ماری را از مارگیری دزدید. اتفاقاً مار دزد را نیش زد. مار گیر دزد را شناخت. مار گیر گفت:
زمانی که مار را دزدیدی از خداوند دعا و طلب کردم که زودتر مارم را به من برگرداند. اما اینک

از خداوند سپاسگزارم که دعایم مستجاب نشد. چون فکرمی کردم که توسود کرده ای ومن ضرر.

پیام شعر: بعضی از دعاها بهتر است مستجاب نشوند چون خداوند خیری را در آن دعای مستجاب نشده قرار داده است که به نفع ماست نه به ضرر ما. کارهای خداوند همه از روی حکمت است.

➤ درس ششم

(۱) نهاد:

- (۱) خدای مهربان، خدای دانا، خدای حکیم، خدای بزرگ و...
- (۲) دانش آموز زرنگ، دانش آموز کوشا، دانش آموز باهوش و...
- (۳) گل زیبا، گل وحشی، گل ظریف...

(۲) مفعول

- (۱) چمن سرسبز، چمن زیبا، چمن بزرگ و...
- (۲) رخس باوفا، رخس گران بها، رخس دوست داشتنی و...
- (۳) درس ادب، درس آموزنده، درس مهربانی و...

(۳) متمم

- (۱) آینده روشن، آینده درخشان و...
- (۲) دشمنان ظالم، دشمنان ستمگر، دشمنان اشغالگر و...
- (۳) دانش آموزان نخبه، دانش آموزان باهوش و...

(۴)

- (۱) گل زیبا، گل قرمز، گل شاداب و...
- (۲) دریای بیکران، دریای آبی، دریای مواج و...
- (۳) دفتر بزرگ، دفتر زیبا، دفتر آبی و...
- (۴) خداوند مهربان، خداوند رحیم، خداوند عیب پوش و...
- (۵) دست توانا، دست گیرنده، دست قوی و...
- (۶) سهراب باادب، سهراب بلند قامت، سهراب رشید، سهراب نیرومند و...

(۵)

(۱) درختِ سرو

(۲) شب یلدا

(۳) مرغ دریایی، چشم تیز بین، عمق دریا

➤ درس هفتم

دانش آموز باید یک نمونه از ادبیات تعلیمی رازمثنوی مولوی یا شنانامه فردوسی بیابد. (برعهده دانش آموز)

➤ درس هشتم

(۱) سعید باهوش: (سعید: هسته)، (باهوش: صفت بیانی)

(۲) درس مقاومت: (درس: هسته)، (مقاومت: صفت بیانی)

(۳) فیلم جالبی: (فیلم: هسته)، (جالبی: صفت بیانی)

(۴) چشم زلال: (چشم: هسته)، (زالال: صفت بیانی)

(۵) مداد زیبایی: (مداد: هسته)، (زیبایی: صفت بیانی)

➤ درس نهم

(۱) چاه، ماه: جناس

(۲) شیر، سیر: جناس

(۳) گل، گِل: جناس

(۴) درخش، رخس: جناس

(۵) (برون، درون)، (قال، حال): جناس

➤ درس دهم

(۱) این دو ویلای بزرگ: (ویلا: هسته)، (این: وابسته پیشین صفت اشاره)، (دو: وابسته پیشین صفت

شمارشی)، (بزرگ: وابسته پسین صفت بیانی)

۲) اولین غزل های عاشقانه: (غزل: هسته)، (اولین: وابسته پیشین صفت شمارشی)، (عاشقانه: وابسته پسین صفت بیانی)

۳) همین دیروز: (مشاعره: هسته)، (همین: وابسته پیشین صفت اشاره)
۴) این چهارمین مسابقه: (مسابقه: هسته)، (این: وابسته پیشین صفت اشاره)، (چهارمین: وابسته پیشین صفت شمارشی)

۵) آن شب نحس: (شب: هسته)، (آن: وابسته پیشین صفت اشاره)، (نحس: وابسته پسین صفت بیانی)

➤ درس یازدهم

۱) کدام شهر: (شهر: هسته)، (کدام: وابسته پیشین صفت پرسشی)
۲) چه فروشگاه: (فروشگاه: هسته)، (چه: وابسته پیشین صفت تعجبی)
۳) عجب گل زیبایی: (گل: هسته)، (عجب: وابسته پیشین صفت تعجبی)، (زیبایی: وابسته پسین صفت بیانی)

۴) چه کتابخانه: (کتابخانه: هسته)، (چه: وابسته پیشین صفت پرسشی)
۵) کدامین شعر: (شعر: هسته)، (کدامین: وابسته پیشین صفت پرسشی)

➤ درس دوازدهم

۱) کنایه از بی تجربه بودن.
۲) سرخ روی: کنایه از خشمگین شدن، عصبانیت شدن.
۳) بلغزد پای: کنایه از منحرف شدن، خطا کردن
۴) گندم از گندم بروید جوز جو: کنایه از کار خوب نتیجه خوب و کاربرد نتیجه بد دارد.
۵) کنایه از انتظار تورامی کشند.

➤ درس سیزدهم

۱) (شدند، شدند): ردیف
۲) (آفرین، آفرین): ردیف

(۳) (کنند، کنند): ردیف

(۴) (کرده، کرده): ردیف

(۵) (شد، شد): ردیف

➤ درس شانزدهم

(۱) چندین فروشگاه: (فروشگاه: هسته)، (چندین: وابسته پیشین صفت مبهم)

(۲) بعضی درختان: (درخت: هسته)، (بعضی: وابسته پیشین صفت مبهم)

(۳) برخی مردم: (مردم: هسته)، (برخی: وابسته پیشین صفت مبهم)

(۴) هیچ دانشجویی: (دانشجو: هسته)، (هیچ: وابسته پیشین صفت مبهم)

(۵) هر حرفی: (حرف: هسته)، (هر: وابسته پیشین صفت مبهم)

➤ درس هفدهم

به عهده دانش آموز است.

جواب سؤالات نمونه تمام دروس

(۱)

(۱) نظم

(۲) زبانی

(۳) ساده و قابل فهم

(۲)

(۱) این مدرسه: (مدرسه: هسته)، (این: وابسته پیشین صفت اشاره)

چه کتابهای جالبی: (کتاب: هسته)، (چه: وابسته پیشین صفت تعجبی)، (جالبی: وابسته پسین صفت بیانی)

(۲) این خط زیبا: (خط: هسته)، (این: وابسته پیشین صفت اشاره)، (زیبا: وابسته پسین صفت بیانی)
کدام شاگرد خوش ذوق: (شاگرد: هسته)، (کدام: وابسته پیشین صفت پرسشی)، (خوش ذوق: وابسته پسین صفت بیانی)

(۳) آن رود روان: (رود: هسته)، (آن: وابسته پیشین صفت اشاره)، (روان: وابسته پسین صفت بیانی)

کجاسر چشمه: (سرچشمه: هسته)، (کجا: وابسته پیشین صفت پرسشی)

(۴) سومین روز: (روز: هسته)، (سومین: وابسته پیشین صفت شمارشی)

(۵) همین سه دانش آموز: (دانش آموز: هسته)، (همین: وابسته پیشین صفت اشاره)، (سه: وابسته پیشین صفت شمارشی)

چندبار: (بار: هسته)، (چند: وابسته پیشین صفت مبهم)

(۳)

(۱) (لالایی مادر: مشبه)، (چون: ادات تشبیه)، (نسیم شمالی: مشبه به)، (گوش را نوازش می

کند: وجه شبه)

(۲) (اشک: مشبه)، (مثل: ادات تشبیه)، (مروارید: مشبه به)، (درخشان: وجه شبه)

(۳) (عشق: مشبه)، (همچون: ادات تشبیه)، (دریایی: مشبه به)، (گسترده: وجه شبه)

(۴) (باران: مشبه)، (چون: ادات تشبیه)، (برگ گل: مشبه به)، (باردبه گلشن: وجه شبه)

(۴)

- (۱) نام، کام: جناس
- (۲) (رُفت، رُفت) جناس
- (۳) گوشم، خموشم: جناس
- (۴) پاک، مغاک: جناس

(۵)

- (۱) دهان دوخته: کنایه از سکوت کردن.
- (۲) طشتش افتادن از بام: کنایه از رسوا کردن، آشکار کردن راز.
- (۳) کنایه از بخشنده گی.
- (۴) کنایه از بی خیال بودن

(۶)

- (۱) واج آرای (صامت:س)
- (۲) واج آرای (صامت:م،ن)
- (۳) واج آرای (صامت:م،ر)
- (۴) واج آرای (صامت:س)، (مصوت:)
- (۵) واج آرای (صامت:س)، (مصوت:ا)

(۷)

- (۱) کتاب خوانا، کتاب آموزنده... (یا هر صفت دیگری می تواند باشد. یا) (این کتاب خوانا، کدام کتاب آموزنده؟، عجب کتاب گویایی و...)
- (۲) آسمان آبی، آسمان بی انتها، آسمان زیبا و...
یا (آن آسمان دوّار، همین آسمان بلند، چه آسمان آبی و...)
- (۳) دست توانا، دست پرمهر، دست بخشنده و... یا
(این دست توانا، کدام دست بخشنده؟، چند دست بخشنده، چه دست پرمهری!...)

۴) استاد باهوش، استاد گرامی، استاد نخبه، استاد زیرک و... یا (این استاد زیرک، عجب استاد دانایی!،
چند استاد ارجمند،...)

۵) روح بزرگ، روح باطراوت و... یا (آن روح بزرگ، چنه روح بزرگی! و...)

۶) میز گرد، میز بزرگ، میز بلند، میز منبت کاری و... یا (این میزگران بها، همین میز
بزرگ، چند میز گرد؟ چه میز زیبایی و...)

۸)

۱) کرد، کرد: ردیف

۲) نشست، نشست: ردیف

۳) شنوید، شنوید: ردیف

۴) نداشت، نداشت: ردیف

